

ادامه از صفحه اول

کرونا

ایران و اعلان جنگ سوم جهانی

جنگ کرونا توانست کارخانه‌ها و تأسیسات ترامپ را که دی‌اکسیدکربن تولید می‌کردند، از کار ببندازد و اگر این شرایط کرونایی تا آخر سال ادامه یابد، کره زمین امسال سالم‌ترین هوای ممکن را بعد از جنگ دوم جهانی تجربه خواهد کرد که آثار شگرفی بر احیای محیط زیست آن خواهد داشت.

با اینکه سخن دراین‌باره فراوان است و ابعاد بسیاری دارد، ولی سیاست‌های داخلی ایران را نیز نباید فراموش کرد. کشور ما وضعیت ویژه‌ای دارد. قبل از اینکه مورد تهاجم کرونا قرار گیرد، از نظر اقتصادی زیر ضربات خصمانه دونالد ترامپ و تیم تندرو او قرار گرفته است؛ بنابراین در این جنگ سوم جهانی، به‌سختی می‌تواند جایگاه خود را در جامعه جهانی پیدا کند. ایران قبل از بحران کرونا نیز بحران‌های متعدد دیگری را تجربه کرده در بدن ندارد؛ ازاین‌رو، دستش برای هر اقدامی مانند دیگر کشورها باز نیست. پس باید گام‌های خود را بسیار حساب‌شده و محتاطانه بردارد. هنوز واکنش طبقات محروم و بی‌کاران در حوادث آبان و آذر گذشته و دی‌ماه ۹۶ از یاد نرفته‌اند که اکنون در پی تعطیل‌شدن کسب‌وکارها، چند برابر شده و اگر این‌خانه‌نشینی و بی‌کاری ادامه یابد و درمان نشود، بین خطر ویروس کرونا و ویروس گرستگی، حتماً به پیشواز ویروس کرونا رفته و همه سازوکارهای کشور و ازجمله وزارت بهداشت را زیر پا گذاشته و از خانه‌ها بیرون می‌آیند تا به هر ترتیب شکم خود و خانواده‌شان را سیر کنند؛ این‌ را در ترافیک شهر و بازدن مغازه‌ها مشاهده خواهیم کرد. با اینکه بی‌کاری ناشی از جنگ کرونا در تمام جهان به وقوع پیوسته، ولی دیکران بدون ترس از تحریم‌ها، از اندوخته ارزی خود یا طرح مارشال برای سیرکردن شکم شهروندان خود به قیمت در خانه ماندن آنها استفاده می‌کنند و ایران این توانایی را خیلی کم دارد و مسئولان باید این حقیقت را بدانند. سخن پایانی اینکه ما هنوز در آفتاب کار و مبارزه در این جنگ سوم جهانی بوده و همگان غافل از تأثیرات کرونا بر خود و جامعه خود هستند؛ تأییراتی که در ماه‌های آینده بیشتر هویدا خواهند شد. اما تا همین‌جا نیز آثار این جنگ سوم جهانی علیه بشر روی کره زمین تا حدودی روشن شده و همه به تحلیل‌گام‌های بعدی نمانسته‌ایم. شاید این جنگ سوم جهانی که برخلاف عرف و قاعده، همه کشورهای جهان بدون استثنا و همه قدرت‌های رقیب را در یک اردوگاه قرار داده و همه ملل را به‌طور مشابه مورد نوازش قرار می‌دهد، بتواند کمکی به همبستگی همه ملل جهان روی کره زمین کند. این همبستگی دو درس به ما می‌دهد؛ اول اینکه همه برای نجات کره زمین از مصرف‌های بی‌رویه دست برداریم و دوم اینکه از جنگ‌های بین خانواده در جامعه جهانی پرهیز کنیم و از این پس به فکر جنگ چهارم جهانی باشیم که حریف ما یا دوباره یک ویروس خواهد بود یا موجودات فضایی که برای تسلط بر زمین می‌آیند. آیا جنگ‌سالاران و زورگویان روی کره زمین، به اندازه کافی قانع شده‌اند؟ بعید است!

ادامه از صفحه ۲

فقه کرونا

فقه عقود؛ فورس مازور

طرفین معامله باید طبق اصل لزوم وای به عهد (اوفوا بالعقود) به عقود و تعهدات ناشی از آنها عمل کنند. بنابراین به‌عنوان مثال بیع و مشتری باید عوض و ثمن معامله را در موعد مقرر تأدیبه و تسلیم کنند. یا پیمانکار باید در سر وعده به پیمان خود عمل کند. اما اگر به خاطر شیوع بیماری، مواد اولیه تولید به دست تولیدکننده نرسد یا به سبب بیماری کارگران یا تعطیلی کارگاه امکان ایفای تعهد در سر وعده ممکن نباشد، به حکم قاعده فقهی نفی عسر و حرج، وجوب وای به عهد در موعد مقرر منتفی می‌شود. در حقوق فرانسه و به تبع آن در ماده ۲۲۷ قانون مدنی از اصطلاح فورس مازور استفاده قاده که به نظر می‌رسد از قاعده لاجرح در فقه دقیق‌تر است.

چون لاجرح تکلیف را در صورت مشقت و دشواری نفی می‌کند، درحالی‌که در شرایط فعلی ممکن است انجام تعهد اصلا ممکن و مقدور نباشد، نه اینکه انجام تعهد ممکن و لیکن دشوار باشد. البته می‌توان پاسخ داد که اگر در صورت حرج، وجوب انجام تعهد منتفی می‌شود، در صورت نامقدور شدن تعهد، به طریق اولی منتفی خواهد شد. ضمن اینکه می‌توان به قبح تکلیف بمالایطاق هم برای رفع تکلیف وجوب پاسخ داد.
سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده که کروناوی بیرویه و می‌تواند در سرر وعده وفا شوند، از پیشگیری از دعاوی قضایی فراوانی که در راه است، هرچه سریع‌تر کرونا را به عنوان مصداق قود قاعده و فورس مازور تعیین کند و زمان شروع و حتی‌الامکان خاتمه آن را هم معین کند تا از تراکم دعاوی پیشگیری شود. البته روشن است که تعهداتی که متأثر از شرایط کرونایی نبوده و می‌تواند در سرر وعده وفا شوند، از شمول قاعده عسر و حرج و فورس مازور خارج‌اند.

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

اقتصاد

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، اثر سقوط قیمت نفت بر کاهش نرخ یک حامل انرژی مهم را بررسی می‌کند

بنزین ارزان می‌شود؟



خارج تأمین می‌شود. حقیقت آن است که هزینه‌های دولت تقریباً ثابت است و هر سال با رشد بطنی حدودا ۲۰درصدی افزایش می‌یابد؛ بنابراین درآمد‌های دولت هم باید به‌همین‌ترتیب افزایش یابد. یکی از عللی که قیمت حامل‌های انرژی در ایران در طول سال ثابت نگه داشته می‌شود یا با رشد اندکی همراه است، به این دلیل است که دولت علاقه‌مند است قیمت حامل‌های انرژی که تأمین‌کننده منابع بودجه و درآمد دولت محسوب می‌شوند، ثابت باشد تا با اطمینان از ثبات درآمد ناشی از ثبات قیمت‌ها بتوانند هزینه‌های خود را پوشش دهد و این مهم‌ترین مشکل است.

توکلی در ادامه می‌گوید: در شرایط کنونی که به علت شیوع ویروس کرونا و همین‌طور کاهش جهانی قیمت نفت خام و همچنین محدودیت شدید صادرات نفت ایران به خاطر تحریم، درآمد‌های نفتی دولت به‌شدت کاهش یافته و به‌طور هم‌زمان مصرف داخلی مردم نیز کاهش یافته، درآمد‌های دولت هم به تبع آن کاهش بیشتری یافته و تبدیل به معضلی برای دولت شده است. جالب است که در واقع دولت با وجود آنکه علاقه‌مند است آلودگی هوا و ترافیک را کاهش دهد؛ اما کاملاً وابسته به میزان مصرف مردم است. مصرف زی‌سازنده‌ی و گازوئیل از سوی مردم، موجب افزایش درآمد‌های دولت می‌شود؛ بنابراین با این ساختار بودجه، دولت هیچ علاقه‌ای نخواهد داشت که مردم را به کاهش مصرف حامل‌های انرژی ترغیب کند؛ زیرا درآمد‌هایش کاهش می‌یابد؛ و این موضوع تناقض بسیار بزرگی است. تجربه نیز نشان داده است که دولت عملاً به جای ترویج مصرف کمتر، با سوبسیدی نگه‌داشتن قیمت حامل‌های انرژی، مردم را به مصرف بیشتر حامل‌های انرژی ترغیب کرده است.

❧ راهکار چیست؟

این کارشناس اقتصاد انرژی با اشاره به راهکار اصلی در چنین شرایط پیچیده‌ای می‌گوید: اصلی‌ترین راهکار آن است که رابطه بودجه‌ را از نفت کاملاً قطع کنیم. دوم، با توجه به آنکه ماهیت قیمت نفت و فرآورده‌های آن ماهیتاً شناور بوده و در نوسان هستند، باید قیمت عرضه آنها در کشور هم نوسانی باشد. چنین اقدامی یک‌شبه رخ نخواهد داد، بنابراین پیشنهاد می‌شود این اقدام به صورت تدریجی انجام شود.

به‌این‌ترتیب‌ که اگر مثلاً قیمت عرضه بنزین در داخل کشور با قیمت جهانی به میزان ۵۰ درصد فاصله دارد، در ایران بنزین و دیگر فرآورده‌های نفتی را با همین فاصله قیمتی به مردم عرضه کنیم که در این‌صورت باز هم ۵۰ درصد ارزان‌تر از قیمت جهانی خواهد بود، در‌عین‌حال با توجه به نوسان قیمت نفت خام و فرآورده‌های نفتی در سطح جهان، همین نوسان را روی قیمت‌های داخلی اعمال کنیم. نتیجه آن است که اگر مسائلی مانند کرونا موجب شود که نفت خام و به تبع آن، قیمت نفت خام، بنزین و گازوئیل کاهش پیدا کند، قیمت عرضه آنها نیز در کشور به‌شدت کاهش پیدا خواهد کرد و این موضوع برای مردم ایران مانند مردم دیگر کشورهای دنیا قابل مشاهده بوده و براساس این مردم می‌توانند رفتارهای مصرفی خود را تعدیل کنند.

اما منظور از اقدام تدریجی، ثابت‌نگه‌داشتن قیمت و افزایش سالانه آن نیست؛ بلکه منظور آن است که تحقیق ۵۰درصدی یادشده، به‌تدریج کاهش یافته و در طی زمان به صفر برسد. این‌تدریج باید با یک برنامه کاملاً منظم همراه بوده و در فواصل کوتاه اجرا

یادداشت

منابعی برای برنامه‌های حمایتی در دوره بحران و پس از آن

رضا امیدوی، **کارشناس اقتصادی**

در برخی کشورها تا بیش از ۴۰ درصد سود را شامل می‌شود.

امکانات بنیادهای اقتصادی فرادولتی

در ماه‌های ابتدایی پس از انقلاب، بنیادهایی مانند بنیاد مستضعفان شکل گرفتند که هدف اولیه آنها حفاظت از اموال به‌جامانده از نظام پیشین در زمان استقرار دولت جدید بود. ایجاد چنین بنیادهایی در انقلاب‌های دیگر نیز سابقه داشته است. این بنیادها و نهاده‌ا با مأموریت‌های حمایتی شکل گرفتند و بنا بود هرماه موقتی داشته باشند. درهرحال، تا امروز بخش قابل‌اعتنایی از اقتصاد تحت مدیریت این نهاد و بنیادها است و به‌تدریج نهادهای اقتصادی نظامی و انتظامی نیز به آنها اضافه شده است. در ماجرای شیوع ویروس کووید-۱۹ برخی از این بنیادها فعالیت‌هایی را آغاز کرده‌اند که اخبار آن بعضاً در سایت آنها نیز منتشر شده است. برای مثال بنیاد مستضعفان اقداماتی مانند ضدعفونی‌کردن برخی شهرها و روستاها، کمک ۴ میلیاردی به مددجویان امداد و بهزیست، تسهیل در تأمین مواد شوینده، عیدی به چهار هزار دستفروشی در تهران، حمایت پنج‌میلیاردی از سلامت کودکان کار، تأمین مواد ضدعفونی و لباس ایزوله برای کادر درمان را تا اواخر اسفندماه انجام داده که مجموع هزینه‌های آن کمتر از ۱۵۰ میلیارد تومان بوده است، درحالی‌که براساس صورت‌های مالی، سود خالص بنیاد در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۱۷۵۰ میلیارد تومان بوده و برآورد می‌شود با توجه به وضعیت بازار بورس طی سال‌های اخیر، سود خالص این بنیاد در سال ۱۳۹۸ رقم بسیار بیشتری باشد. نهادهای مانند بنیاد مستضعفان، ستاد اجرائی، آستان قدس، بنگاه‌های اقتصادی وابسته به نیروهای نظامی در این شرایط باید تمام امکانات و منابع مالی خود را برای عبور از بحران تحت سیاست‌گذاری یکپارچه دولت قرار دهند.

بازنگری اساسی در قانون بودجه

لایحه بودجه زمانی تنظیم و به مجلس ارائه شد که هنوز خبری از کووید-۱۹ نبود و بازار نفت در وضعیت متعادلی قرار داشت. کمیسیون تلفیق مجلس هم در بررسی لایحه ارزیابی درستی از این مسئله نداشت. با شیوع بیماری، مجلس تعطیل شد و لایحه بودجه بدون بحث و بررسی در صحن علنی مجلس مستقیماً به شورای نگهبان ارسال شد. کمیسیون تلفیق حدود ۶۹ هزار میلیارد تومان به اعتبارات هزینه‌ای و حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان به اعتبارات عمرانی افزوده است. لایحه‌ای که خود با ایرادها و ابهام‌های جدی در زمینه‌ی ترکیب منابع و تحقق آن مواجه بود. این در حالی است که تجربه نشان داده هر چقدر مجلس سقف بودجه را بالا ببرد، به همان میزان به کسری بودجه دولت اضافه می‌شود. اما باین‌حال، تغییراتی که در کمیسیون تلفیق روی لایحه اعمال شده، در نوع خود بسیار تأمل‌برانگیز است. برای مثال، سرجمع افزایش اعتبارات نیروی انتظامی در مجلس تقریباً دو برابر کل افزایش است که برای امور اجتماعی (آموزش، سلامت، و رفاه اجتماعی) در نظر گرفته شده است. واقعاً در وضعیتی که کشور از یک‌سو با کمبود منابع و از سوی دیگر با پیامدهای گسترده اجتماعی و اقتصادی ناشی از شیوع کووید-۱۹مواجه است، چرا باید بودجه نیروی انتظامی تا این اندازه افزوده شود. درحالی‌که نمایندگان بیش از شش هزار میلیارد تومان به اعتبارات نیروی انتظامی در لایحه افزوده‌اند (جدول صفحه ۷۷ قانون ابلاغی)، کل اعتبارات دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر

شود. پیشنهاد آن است که به صورت هفتگی یا ماهانه و با سرعتی مشخص و طی دو تا پنج سال که متناسب با کنش اقتصاد ایران تعیین خواهد شد، این تخفیف کاهش یافته تا نهایتاً به صفر برسد.

او در قالب پیشنهادهای به دولت در راستای اجرائی‌کردن این طرح می‌گوید: برای اینکه این طرح برای مردم قابل درک‌تر و اجرائی‌تر باشد، پیشنهاد آن است که سیستم سهمیه‌بندی با نرخ ترجیحی و یارانه‌ای هزارو ۵۰۰تومانی ادامه پیدا کند و قیمت شناور صرفاً درباره مصارف بنزین آزاد اتفاق بیفتد تا مردم ایران مانند مردم دیگر کشورهای دنیا به‌تدریج به آن عادت کنند.

با اجرای این طرح، نرخ بنزین و دیگر حامل‌های انرژی به‌تدریج به قیمت‌های جهانی رسیده و نوسانات آن نیز در داخل اعمال می‌شود. در‌عین‌حال دولت برای حمایت از مردم می‌تواند سهمیه‌بندی بنزین را ادامه دهد. در پیشنهادی دیگر که اقتصاددانان نیز بر آن تأکید دارند، سهمیه‌بندی براساس کد ملی برای همه مردم در نظر گرفته می‌شود یا اینکه دولت به جای سهمیه‌بندی، یک رقم یکسان، اما شناور را به‌عنوان کمک‌هزینه با عنوان درآمد پایه همگانی به همه دارندگان کد ملی پرداخت می‌کند؛ عددی که مصون از تورم بوده و متناسب با یک شاخص مقبول مثل تورم یا نرخ ارز، به صورت پیوسته تعدیل می‌شود.

توکلوی درباره تأثیر اصلاح و افزایش قیمت بنزین بر دیگر کالاها و خدمات می‌گوید: قطعاً اصلاح قیمت بنزین بر قیمت دیگر کالاها اثرگذار خواهد بود. طبیعی است که وقتی اجزای تشکیل‌دهنده هر کالا و خدماتی افزایش یابد، باید در انتظار افزایش قیمت آن کالا و خدمات مرتبط با آن نهاده‌های تولید هم باشیم.

ازآنجاکه حامل‌های انرژی یک نهاده تولید بسیار گسترده هستند و تقریباً در همه کالاها و خدمات نقش دارند، طبیعتاً بسته به میزان وابستگی کالا و خدمات به حامل‌های انرژی، با نسبت‌های مختلف، موجب افزایش قیمت همه کالاها و خدمات خواهند شد. به‌عنوان نمونه سهم هزینه بنزین در حمل‌ونقل درون‌شهری (سورای و اتوبوس) که وابستگی بیشتری را به قیمت حامل‌های انرژی دارد، صرفاً ۲۰ درصد هزینه‌های حمل‌ونقل را شامل می‌شود؛ بنابراین اگر قیمت حامل‌های انرژی دو برابر هم شود، با ۲۰ درصد افزایش کرایه‌ها، جبران می‌شود و اگر افزایش قیمت حامل انرژی مثلاً ۵۰ درصد باشد، افزایش ۱۰درصدی کرایه‌ها آن را به طور کامل جبران می‌کند.

ادامه در صفحه ۵

گزارش روز

بازار ارز تحت تأثیر

سیاست‌های کرونایی

● **شرق:** صرافی ملی که در تمام طول نوروز قیمتی را بر تابلوی خود درج نکرده بود، شانزدهم فروردین ماه به عنوان اولین روز کاری بازار در سال ۹۹ یکباره به‌صورت جهشی قیمت دلار را هزار تومان بالا برد و یورو را رهسپار کانال ۱۷ هزار تومانی کرد. خبرهای رسیده نشان می‌دهد روز یکشنبه ۱۷ فروردین در بازار بی‌مشتری فردوسی و سبزه میدان قیمت حداقلی دلار به ۱۶هزار و ۴۰۰ تومان و یورو به ۱۷هزار و ۸۰۰ تومان رسیده است. درحالی که صرافی ملی قیمت دلار و یورو را نسبت به قیمت‌های پایانی دیروز تغییر نداده است و قیمت دلار را برای فروش به مردم ۱۵ هزار و ۸۰۰ تومان و برای خرید از مردم ۱۵ هزار ۷۰۰ تومان اعلام کرده است. یکی از کارشناسان بازارهای مالی تأکید می‌کند که فضای ایجاد شده در بازار ارز یک فضای روانی و به درواز ال‌کوئیتم منطقی‌ست که تا پایان فروردین ماه ثبات خواهدیافت.

قیمت دلار در آخرین روز کاری سال ۱۳۹۸ صرافی‌های بانکی برای خرید ۱۴هزارو ۹۰۰ تومان و برای فروش ۱۵هزارو ۷۵۰ تومان تعیین شد. قیمت یورو نیز در آخرین روز کاری سال ۱۳۹۸ در صرافی‌های بانکی برای خرید ۱۶ هزارو ۸۰۰ تومان و برای فروش ۱۷ هزار ۴۵۰ تومان اعلام شد. با آغاز فرودین ماه ۱۳۹۹ و شروع تعطیلات رسمی نوروز، بازار ارز نیز چند روزی تعطیل بود.

شانزدهم فروردین به عنوان اولین روز کاری بازار در سال ۹۹، بازار کم‌رقم بود؛ صرافی‌های راسته خیابان فردوسی اکثراً بسته بودند و تعداد صرافی‌هایی که کار خود را در سال جدید آغاز کرده بودند، انگشت‌شمار بودند. در چنین شرایطی، صرافی ملی اولین قیمت دلار و یورو در سال ۹۹ را در سایت خود درج کرد؛ صبح روز شنبه صرافی ملی نرخ فروش هر دلار آمریکایی را ۱۵ هزار و ۹۰۰ تومان ثبت کرد که افزایشی هزارتومانی نسبت به آخرین قیمت این صرافی در سال گذشته داشت. در مورد یورو، میزان افزایش قیمت محدودتر بود؛ ارز اروپایی در ابتدای روز اول هفته ۱۷ هزار و ۳۰۰ تومان قیمت خورد که ۵۰۰ تومان بیشتر از روز انتهایی سال قبل بود. البته در ادامه روز این صرافی مقداری قیمت‌های ابتدای روز را کاهش داد. با این حال، آنچه مسلم بود بازارساز حاضر نشد کانال ۱۶ هزار تومانی را که دلالت معاملات خود را در آن انجام می‌دادند به رسمیت بشناسد ولی به دنبال کم کردن فاصله قیمتی خود با بازار آزاد بود.

خرهای رسیده نشان می‌دهد روزیکشنبه ۱۷ فروردین در بازار بی‌مشتری فردوسی و سبزه‌میدان حداقل قیمت دلار به ۱۶ هزار و ۴۰۰ تومان و یورو به ۱۷هزار و ۸۰۰ تومان رسیده است. درحالی که صرافی‌های بانک‌ها یکشنبه قیمت دلار را برای فروش به مردم ۱۵ هزار و ۸۰۰ تومان اعلام کرده‌اند. این صرافی‌ها دلار را از مردم با قیمت ۱۵ هزار و ۲۰۰ تومان خریداری می‌کنند، برهمین‌اساس ۱۷فروردین قیمت فروش یورو در صرافی‌های بانک‌ها ۱۷ هزار و ۲۰۰ تومان اعلام شده است؛ قیمت خرید یورو نیز در این صرافی‌ها ۱۷هزار و ۱۰۰تومان است. گفتنی است، صرافی ملی قیمت دلار و یورو را نسبت به قیمت‌های پایانی روز شنبه تغییر ن داده است.

جواد نقوی، کارشناس بازارهای مالی در گفت و گو با شرق وضع کنونی بازار ارز را اینگونه تحلیل می‌کند: جهش فعلی بازارارز هیجانی است. هر زمان از یکسوی فضای رسانه‌ای درباره موضوعی تکاپو پیدا می‌کند و از سویی دیگر التهاب با ال‌کوئیتم مرتبی پیش نمی‌رود، التهاب یکدفعه فروکش می‌کند. التهاب فعلی احتمالاً تا ۳۰فروردین ادامه پیدا کند. از ۱۵فروردین به بعد با پایان تعطیلات رسمی اکثرتجارت و کسبه درحال برنامه‌ریزی برای آغاز فعالیت‌های سال جدید خود هستند. طبیعتاً این هم افزایش قیمت‌های دامن می‌زند. دولت به‌همین‌نوبه جامع و فورس مازوری برای شرایط فعلی ندارد پس ایجاد فضای روانی چندان عجیب نیست؛ هیچ رابطه منطقی درحال حاضر در قیمت‌های در حال جهش ارز دیده نمی‌شود همچنان که اکنون در بورس هم فضایی روانی حاکم است حتی در بحث ارزهای دیجیتال هم نوسانات قیمت بشدت پایین آمده و این نزول برای ارز دیجیتال و صعود برای ارزفیزیکی تاجایی ادامه پیدا می‌کند اما مقطعی است و تا پایان فروردین ثبات خواهند یافت.

او در پاسخ به این سؤال که با اتکا به چه چیزی انتهای فروردین را زمان فروکش‌کردن این التهاب می‌خواند، می‌گوید: آن‌کای من سیاست‌های اقتصادملی مبارزه با کروناست؛ این زمان دوره سسوم و احتمالاً نهایی برای رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی است و با توجه به برنامه‌ریزی‌ها ما پس از این شیب نزولی ابتلا را خواهیم داشت پس کم‌کم کسبه به سمت بازار آمده و از هیجان فعلی کاسته می‌شود. اکنون مردم درگیر فضای روانی و ترس از افزایش قیمت هستند از طرفی هم بسیاری از صرافی‌ها این روزا یا می‌گویند ارز نداریم یا اعلام می‌کنند که ارز داریم و آن را به قیمت آزاد می‌فروشیم. بنابراین قیمت فعلی قیمتی کاذب است.